

میلےا و ہ

ملاسلا ہیلاء اضر ماما ترایز تیمها
ن آہد تبسنت فرعملها ماگدید و

ملاسلا ی نابم حرط

تاناید

ی نیسد ن سحمدحم دیسد جاد اللہقیآ ترصد

ی نارہط

ہر سد اللہ سدق

میجرلان اطیشلانم لله ابذوعا
میجرلان محرلانم الله مسب

کی زارتارف؛ اضر ماما ی قیقد ترایز ی کیزیفروضد

تفگ؟ تسیچ دیحوت: دندیسرپ فراع کی زارتارف
ی نعیزاجم، دیحوت دوشی م دیرانگ برانکار زاجم
تسا دیحوت نامهنیا رانک دورب، مهوت و رابتعا
زورما. تسایرد اعقاو اما تساهلمج کی نیا
شرخا، مییوگب دیاب اجک زامینیب میدش دنلب حبص
لامشا همه اهنیا، تساجنیا زالاامتحا میتفگ
ی عقوم نآهک دنتفگی م اقا موحرم. تسای ناوج
دنتشاد اهنیا و کسید و هدرکی م درد ناشرمک
ی لیخ دندش ی م فرشم هک مرد، دنتفر ی م مرد
نیشام راوسنم هک دنتفگی م دوب هدایپ تاقوا زارتارف
مرد هب نترف ی ارب ترورض ددات، موشی مذ
ی م درد مهن ناشرمکن اشیا، موشی مذ نیشام راوس
میتسشن ی م ناشیا شپی ی تقو میدید ی م ام، درک
کی، دندش ی م فرط نآ فرط نیا مادمشا همه
ی اقا نیا اب نورید میدما مرد زارتارف میتفگ
دروخرب دنتسه دهشم ناشیا نلا هک ی ناجنز
ساسحار ام درد م و ی گتسخ ناشیا، مرد
ندرک ل او سد ام ل اح زارتارف عورش و دندرک
، میراد راشفو دنکی م درد نامر مکر ادقم کی میتفگ
ی ارب م شرادقم کی: دنتفگ و دندیدن ناشیا
کی دنتفگ، درک لمحت رگید دیاب و تسای ناوج
مشچ میتفگ م مام تسای ناوج مزاول زارتارف

دش بوخن اشدر در مک دعبی لو... مینکی م لمحت
 رگید و مرد میدما: دنتفگ ناشیا، متفگ امش هب الابق
 مرد زامیتشادی نتشگر بر گید. تفرگ درد ی لیخ
 :میتفگ و ماضر ماما هب میدرک ور، نورید میدمایم
 هدایپ در در مک نیابام ی نک لایخ رگا ماضر ماما
 زارام ی هاوخی م، مینکی م ار راک نیام میبایند
 ،میبایم هدش ی روجره ام ی نک مورحم مرد نیاب
 ! نک بوخن ارام رمک نیاب ادخ هب ار وتایپ لاماد
 دما محر رساجنیا ترضدر گید. دش بوخن رگید
 اجنآ) داشر هوگ طایح رد دمآ هعقد کی: دنتفگ و
 زادیاب اهدرم هدش هنانز رگید ن لااگرز بن حص
 بیجء دش بوخن امر مکر گید (دنور بر گید ی اج
 .تسا

هانگت وافت و مردی رانگبمب هناداد نیرهاظ و فراء

ی رانگبمب ن ایرجنیاب ز ادعبی یادخ هدنب کی
 هک میدینش ام، ماسلا هیاء ماضر ماما مردرد
 و هدوب اجنآ، دوری من مرد رگید ناشیا
 ی ناکت ی رادقم کی نیچمه. دشن مه مودصم
 فرشم مرد اهتدم ات و دوب هدیسرت و هدروخ
 هب ناشیا دوخ، تسا هکلهم هک تفگ و دش من
 و ملء لها، تسه مه ملء لها، تفگ ام
 زارام دنوادخ: تفگ ام هب و تسا ی تیصخش
 ز رط کی نیاب! داد تاجن هکلهم نیاب
 لاثم هکنیا مه تشادرب ز رط کی، تشادرب
 نیاب ناشیارب هکی دارفا هب تبسناقاً موحرم
 ریبعه دندش هتشک حلاطصا هب و دش ادیپ هلماسم
 عییشترد مه ناشدوخ هتبلابا، دندرکی م دیهش
 ی م دیهش هب ریبعه، دندرک تکرش هانیا هزانج
 کی روطچ. دنتسه دیهش همه هانیا هک دندرک
 زامهجو ی اراد غلبم، ممعم، ملء صخشرفن
 تافتلا! دنکی م هکلهم هب ریبعه هیضق نیاب

ابادار نایرج نیمه و دیای می سک کی؟ دیدرک
 هب نداد ناج ماما روضد رد تیفیک نیمه
 مردرد دندماً هکی یاهنیا هک دروآمی مباسد
 رد، دندیسر تدهش هب اهنیا، ماما روضد رد
 ،دش جراخن اشندب زاحور اهنیا ماما روضد
 بیجعی لیخ، ماما روضد رد، ماما روضد
 نآ میمهی مام هک تساجنیا تقونآ .تسا
 یسک: دندومرفه شیاع هب ربمغیپ هک ار ی تیاور
 - تسامضر ماما هب عجار هیضه - مدنزر ف هک
 همئا دروم رد هتبلأ - دنک ترایز تفرعم ابادار
 نیا - دنک ترایز تفرعم اباد هک میراد م هرگید
 اترازه ات م ه دعب و ج دود و ج د کی باوژ
 نیا دوب اهنیا لام هزات م ه اترازه، دندناسر
 هب ربیعت نیا زا و تساجک دینیب تفرعم
 تدهش هب ربیعت نیا زا نیا، دروآمی م هکلم
 دروآمی م ماما باکر رد

میریگب تست نامدوخ زا هنوگچ

حالا واقعاً ما خودمان را یک تستی بزنیم بد
 نیست، این [حوادث] همه اش نشانه است، کسی
 که بداند که در یک چنین روزی، امروز ظهر
 این قضیه اتفاق خواهد افتاد، حالا خوابی ببیند،
 برایش مساله الهام بشود، مکاشفه ای [رخ دهد]،
 بالأخره به یک نحوی این مساله را بفهمد که
 امروز در حرم امام رضا این واقعه اتفاق می افتد.
 یک وقتی مساله این است که این قضیه اقدام بر
 هلاکت است، یعنی تکلیف بر این است که انسان
 نرود. با علم و اطلاع بر این مساله، خوب نرود،
 این مساله تکلیف است. یک وقتی نه انسان این
 علم خودش را در این مطلب نادیده بگیرد و به
 اصل خود این مساله توجه کند، به اصل خود این
 نکته توجه کند بدون ملاحظه جنبه اثباتی، یعنی
 دیگر در اینجا این تکلیفی که مترتب بر علم

می‌شود، آن تکلیف در اینجا نیست؛ انسان می‌تواند خودش را تجرید کند، از جنبه علمی خودش را تجرید کند به نفس واقع، اگر این قضیه را در اختیار انسان قرار بدهند ما چه حالی داریم؟ می‌رویم یا نمی‌رویم؟ یعنی در واقع آن جنبه علمی مساله را خدا از انسان بردارد، تکلیفی که بر اساس علم است. یا اینکه در آن جنبه علمی به انسان بگوید از نظر ما تکلیفی نیست، گردن ما نینداز. ما خیلی چیزها را گردن خدا می‌اندازیم، امروزه، سابق، لاحق همه یکی هستیم؛ هرچی هست می‌گوییم تکلیف است، هر کاری می‌کنیم؟! خدا بگوید نه آقا جان، گردن ما بیخود نینداز ما این چیزها حالیمان می‌شود و بحثهای طلبگی را هم بلدیم، به ما نمی‌خواهد یاد بدهی. این جنبه تکلیف را ما از تو برداشتیم؛ می‌رویم حرم امام رضا امروز زیارت کنیم یا نمی‌رویم؟ اگر دیدیم که نه، بلند می‌شویم می‌رویم؛ حرم است چرا نرویم؟ مگر آدم [چرا نرود؟] می‌خواهد برود زیارت کند می‌رود. [در اینصورت حرفی نیست.] اگر دیدیم به‌خاطر این قضیه یک تکان خوردیم [و حرم نرفتیم] آنجا باید برویم ببینیم عیب کار کجاست؟ نقص کجاست؟ ولی اگر نه! دیدیم نه تنها می‌رویم بلکه همچین می‌رویم بغل حرم بست می‌نشینیم، حالا یک طناب هم خودمان را به ضریح می‌بندیم که اصلاً کسی نتواند باز کند؛ اگر به ما هم نشان بدهند جای بمب آن گوشه است [باز از جای مان بلند نمی‌شویم].

میدش فرشم که نپیرکسء تر ضد مردام
نپیرکسء تر ضد ءارماس تر ضد مرد

یاج دنتشاذگ هشیث ن لآ ار حیرض هشوگر اهج
 لاماک فرط نآ و فرط نیا ؛تسادپ اهبمب
 رس گنشق و هدش بارخ راوید هکتسا صخشم
 یلیخ ،دندوب هداد ماجنا ار راک نیا تصرف
 دنکل اوئسی سکرگا .تچار ،بوخ !؟تصرفرس
 هچتسا تیفیک نیا هب هیضق نیا ،هلاسم نیا هک
 ادپ ام رد ی اهتکن هچ ؟دوشی م ادپ ام رد ی لاح
 اب ؟[دوشی م ادپ ام یارب] ی اهلاسم هچ ؟دوشی م
 لاح ؟اجنا رد میوری م حلاطصا هب ی ساسدا هچ
 هکتسا نیا رب رارق ی تقو !میورب هرخلأاب هزات
 .تسا راکرخا رگید ،دشاب تدهاشد هلاسم ،هلاسم
 .تسا نیا رطاخ هب همه ،دشاب نیا رب رارق رگا
 ارش دوخ دیاب هشیمه ناسنا هکتسا جنیا تقو نآ
 تقو هب و رضاد ایاضق و ثداود اب هسیاقم رد
 ار هلاسم نیا روضد لاح رد هشیمه ی نعید ،دنیب
 .دنیب دیاب

کرشم ن اوج ن دروا م لاسا تیاکد

رد دوی صخش کیر بمغیپ باحصا زا ی کی
 دوب هتفر ایند زا شردپ و دوب کرشم هکم
 هداد لزنم دوب هداد اهزیچ یلیخ و اهبش یومع
 دوب هداد ی دایز ی اهزیچ ،دوب هداد تنکم ،دوب
 دوب ی ناوج ،دوشی م ناملسم هصلاخ نیا
 م لاسا ی هاو خبرگا :دیوگی م دوشی م ش یومع
 ی م وتزا م داد وت هب هک ار هچنا مامت ی رواید
 نآ !تسه تنتن لآ هک ار ی سابلی ی تد مرینگ
 ی م راهظا ش یومع هب ار ش م لاسا اجن امه م
 امر فب :دیوگی م و دروآی مرد ار ش سابلی و دنک
 هناد رد ای هدروارد منادی من اجنا لاح
 دیوگی م و دروآی مرد هصلاخ هلب ،دروارد
 تخس یلیخ .دش مامت سابل مهنیا اقا دیامرفب
 ش سابلی ی تد ی نعید ی رنگب زیچ همه زا تسا
 ی مهم هلاسم یلیخ مهنیا هک !دروارد مهنار

دش مامت! دشابندش نهذ رد رگید ی چیه هکتسا
 می ش کمکی لیخ نیا و! اتسا نهزرب نهزرب
 ریثأتی لیخ ش سفن رد لمع نیا ی نعید، دنک
 رگید هک دراذگی م اجب یرمتسم و تبثم
 اتسا اللهی وسام هچره زا ارش دوخ هعقدکی
 هچره زا، دنیبی مذدیق رد رگید؛ دنیبی م دازآ
 ی چره تفر دما شردام، اتسا اللهی وسام رد
 داتسرف و درک بکرم راب راوسل زنم زا دوب
 ی سابل کی شردام! امرقب: شیومع یارب
 هب ار هچراپ و درک فصن ار نآ تشاد
 م هی کی تسب شرمک هب ی کی مارحاً تروص
 هیندم هبل احد نامه اب، تخادنا ششود یور
 هلمج زا! دما هیندم هب عضو نامه اب! دما
 یارب دنتشادن امرخ کی ی تد هک ی دارفا
 هیندم هبل احد نامه اب، دوب نیمه ی کین دروخ
 اهزور! دیباوخ جسم رد، دراذم هی یاج، دما
 ،دندوب نورید ربمغیپ و دیباوخی م جسم رد
 -دندرک هاگن دندما دندوب نورید دندوب هیندم
 م هی سانشما رد اقا موحرم ار هلاسم نیا
 می زمانه هک اهحبص ترضد دما -دندروا
 دندرکی م هاگن فرط نآ و فرط نیا دندناوخ
 کی دندرکی م هاگن ار دارفا، هدماین دیدج ی سک
 ار وتنم: تفگ و داتفا نیا هب ناشمشچ هعقد
 دنچ و متسه ی نلافنم تفگ؟ ی تسه ی ک میدید
 ترضد؛ دیدوبن امش مدمآ اتسا زور
 ترضد؟ اتسا روطچ عاضوا: دندومرف
 نیا دنتفگ و دندهب اهینیا و سابل وا هب: دندومرف
 گنج هکنیا ات تشنگی تدم! اتسا نم نامهم
 لوسر ای هک دما ربمغیپ شپید، دما شپید کوبت
 ی چ: دندومرف ترضد، نک اعد نم یارب الله
 نم، موشب دیهش نم نک اعد دنتفگ؟ منک اعد
 ترضد! موشب دیهش گنج نیا رد مهاوخی م
 رارق رافکتسد هب ار نیا لتقا یادخ: دندومرف
 دیهش میوگی مدمآ نم ربمغیپ ای تفگ! هدن
 ترضد؟ ی نکمی م فرط نآ زا ی اعد وت موشب

دیهش و یوربامشه که تسینیا مهم: دندومرف
 نورید دوزا که تسامشلاد مهم، یوشب
 ،یدمآرد ایندزا و یدمآرد ترثکزا و یدمآ
 می تمسنآ بهار امشه که تسامشه لاسم نیا
 دیهش رافک تسدب هار نیا رد لاد؛ دناشک
 ای یدیسر ل تق به رافکریغ تسد به ای، یدش
 به رگا: دندومرف ترضد، بت اَطساو به
 به دیهش ار و ت ادخ یدرک تلحر بت اَطساو
 به ربمغیپ باحصا اب نیا و دروآی م باسد
 ضر م اب و دش ضیرم کوبت رد و دما کوبت
 - ؟ دندوب اجنآ رد زور دنچی نعید بت فر ایندزا
 کوبت رد ی اهدروخ و زور تسید ترضد
 نیا: دندومرف ترضد، بت فر ایندزا و - دندوب
 و تسا دیهش نیا دنتفگ طقف ی نعید بتسا دیهش
 که تسا مهم ی لیخ هلاسم نیا، تیفیک نیا اب
 ار تلاد نیا، دنکب ساسدا ار بهنج نیا ناسنا
 درواید دوجو به ار متسم ش دوزرد ناسنا

هتسکش زامنزا دافتسم، بلاج ی اهتکن

مرکا ربمایپ ترضد

ی لیخ که تسه اجنیا رد ی ائیضه کی اقاقتا
 ار زامن زور تسید نیا رد ربمغیپ، تسا بلاج
 می مذاید دننامی م دنتسنادی منوچ دندناوخ هتسکش
 دندرکن گنج نوچ دنتشادن زور هد دصق، دننام
 ،دشن گنج به رضاد مور روطارپما، هقرف نآ
 گنج به رضاد تسا ربمغیپ، ترضد که دیمهف
 دندوب هتفگ غورد که دش مولعم و دنتشگر ب و دش
 ات هدمآ و دیاید مور روطارپما دراد دصق که
 ن یقفانم لاد! هدوب غورد همه آهنیا، ماشن میز رسد
 نیا رد ربمغیپ و دندوب هدرک ش خپ و دندوب هدمآ
 که ی یاهنیا و دندناوخ هتسکش ار زامن زور تسید
 جرد و رسد که کی ترو صرد و رفسد رد دنیوگی م
 ش یاجک زور تسید، دشاب هتسکش دیاب زامن دشاب
 ،دوبنی جرد و رسد هکنیا؟ دوب جرد و رسد

هتسکش ار زامذ اجذا رد زور تسید ربمغید هکنیا
؟تشادی قرفه چه نیدم رد زور تسید اب، دندناوخ
ی اهل اسم هذ، ی ای ریگرد هذ ی گنج هذ دنتسشن
می ج راخن اشه میخزا بش زامذ ی ارب میراد ی تح
دندناوخی م بش زامذ ن اباید رد دنتفری م و دندش
تظفاحم هک دندوب ن اشهار مه ر فذ هس اید و د هتتبا
دشابذ ی رطخ و دندک

امروزه می گویند که مساله [نماز شکسته]
مساله آن سفرهاست. [در صورتی که مساله آن
سفرها] که با الاغ می رفتند در طول روز،
کجایش عسر و حرج بوده که در سفر حالا نماز
دو رکعتی [خوانده شود؟] حالا اگر نماز غرق
را بگوئیم، یا نماز فرض بکنید حائض و اینها را
بگوئیم، که برای انسان هول و هراس دارد که
یک قضیه انجام نشود [مساله فرق می کند]. یک
وقتی نه سوار الاغ است مثلاً مسافرت آن موقع،
سوار الاغ است دارد می رود بلند می شود نماز
بخواند، دو رکعت اضافه می خواند چی می شود؟
حالا فرض بکنید که نه اینکه سوار الاغ است
بجای چهار فرسخ سه فرسخ رفته، فقط حد عسر
و حرج همان نیم فرسخ بعد است؟ یعنی همان یک
کیلومتر موجب عسر و حرج می شود؟ این
کجایش عسر و حرج است؟ کدام شخص در طول
سفر از زمان حضرت آدم الی زماننا هذا و بعد
هذا الزمان در سفرش به عسر و حرج افتاده که
آن عسر و حرج را خدا منتاً علی العباد، موجب
قصر در صلاه دانسته؟ درست است؟ آقا
همین طوری می آیند فتوا می دهند و هیچ متوجه
این حکم نیستند؟! آقا کسی که سفر کرده، خدا

می‌گوید همین اندازه [کافی است]، ما می‌خواهیم راحتی برای شما بیاوریم. حالا در سفر رفتی هم کیفیت را بکنی و ثواب چهار رکعت را بهت می‌دهند، هم دو رکعت را خدا به تو بخشیده. عسر این نیست که حتماً حلق آویزت کنند تا به تو بگویند عسر، حرج آن نیست که در بند و زنجیرت بکشند تا اسمش را حرج بگذارند. فرض کنید فقط سفر حضرت سجاد را اسمش حرج بگذارند، دیگر غیر آن سفر کاروان اسرای کربلا، خیال نمی‌کنم دیگر سفری بوده باشد که آن سفر موجب عسر و حرجی شده باشد که انسان موجب بشود نماز را قصر بکند. به این اصل، به اصطلاح اصل‌های من‌درآوری می‌گویند. و همین‌طور خیلی از این نقص‌هایی که بر این قضیه وارد می‌شود؛ فرض کنید یک نفر خسته از راه آمده خیلی خسته و اینها، رسیده به حد ترخص؛ باید بگوییم نماز را قصر بکند چون عسر و حرج است؛ در حالتی که باید حد ترخص باید نماز را تمام بخواند. چطور شد این عسر و حرج در سفر، موجب قصر است ولی رسیدن به حد ترخص و رسیدن به وطن موجب قصر نیست؟ اگر عسر و حرج است بسم‌الله! آن هم هست این هم هست، اگر نه، مساله مساله سفر بودن است، سفر بودن به عسر و حرج کار ندارد. حالا فرض کنید فردا یا پس‌فردا یک طیاره بیاورند که این طیاره از این طرف زمین انسان را بردارد در عرض یک ساعت به کره ماه ببرد، ساعتی نهصد هزار کیلومتر بین تهران و کره ماه، بین زمین و کره ماه نهصد هزار کیلومتر فاصله

است، یک طیاره‌ایی بیاید ساعتی نهصد هزار کیلومتر حرکت داشته باشد، خیلی خوب است آدم سوار بشود و بعد یک چند ساعت آنجا بماند و برگردد؛ حالا این سفر نیست چون یک ساعت سفر نیست! چون یک ساعت هست؟ بخواهد 10 روز بماند؟ نمی‌گویند سفر است. روی این حساب سفر چیست؟ سفر فقط سفر آخرت سفر می‌شود، آنجا باید نماز را شکسته خواند والا در این دنیا دیگر اصلاً سفر معنا ندارد! تهران - مشهدی که آن موقع یک ماه و نیم طول می‌کشید از تهران و جاده فیروزکوه می‌رفتند، الآن تهران و مشهد را یک ساعت می‌روند الآن دیگر سفر به حساب نمی‌آید؟ و هلم جراً، اینها چیزهای من در آوردی است.

ایند ثداود لیحدرد ماما تفرعم شقند

هذبنا، درفنا از مدینش که ی تقو اعقاو نم
نیا زا ار ام دنوادخ: تفگه که ار بلطم نیا ادخ
- ار ی بلطم اب مدرک هسیاقم و! داد تاجن هکلهم
نیا میدوب مقی تقو رد، میدوب مقع قوم نآ ام نوچ
هس که ی لاس هس نآ رد؛ دوب هداتفا قافتا هشداد
هسیاقم -، دوب نامردپ موحرم تاید رخا لاس
ی یاهنیا که مدینش نامردپ زا که ی بلطم نآ اب مدرک
باکر رد دیهد اهنیا ههم، دندش هتشک مر درد که
ار اتود نیا. دنوشی م بوسحم ماسلا هیلع ماما
ی سک نید قرفاً اعقاو!! ای او متفگ و متشاذگ مهرانک
، دشاب ی لاش تسد که ی سک نید و دشاب ل صتم که
ار ماما تفرعم که ی سک نید قرف. تسانیمه
و اجناً دورب طقف که ی سک نید و، دشاب هتشاد
هعماج ترایز رگا لاد -؛ دناوخب هعماج ترایز

ترایز دنیوگی م هک هزورما ، دشاب هتشاد لوبق ار
 ار ناشلیخ ی لیخ ، تسا معیشد تلاغ لام هعماج
 مرامک ، دناوخب ی اعماج ترایز - ؛ دندرک تدار
 ردقچ قرف ، دناوخب ی هلاان یما ، دناوخب ی قلاخلا
 ، شنید نیا و شنید نآ نید ردقچ اعقاو ؟ تسه
 تکلاهن آ ، دنادی م تدهش نآ ؟ دراد توافقه ماسم
 نیا زارام هک ار ادخ دنکی م رکش ! دنادی م
 نیا عیشد ل ابند دوشی م دنلب وا ! داد تاجد هکلهم
 رد دیهد اهیا هک ی ناوند هب دوری م اهزانج
 ایضق ی لیخ تسا بیج ی لیخ ؛ دنتسه ماما باکر
 دنکی م قرف

ن دود ل احم هرا برد ی یابطابط هملاع رظن

ن افرع نودب ماما تفرعم

دندومرفی م ی ئابطابط هملاع مو حرم ی تقو
 مهنیاء بجدی دلا م هماما ن نامز لک لها تفرعم»
 تام نم» درومرد ای ، ن نامز لک تفرعم¹ «هتعاظ
 مو حرم² «ایهاج اتیم تام هنامز ماما فرعی م و
 مو حرم اب هیتجد هسردم رد : دندومرفی م اقا
 ل اوسد ناشیا زاتیاور نیا زامیدزی م مدقه هملاع
 ی م ناسنا روطچ ؟ تسیچ نیا ی انعم هک دندرک
 هب : دندومرفی م ناشیا ؟ دشابند تیاهاج اتیم دناوت
 ناکما ، لله اب ن افرع و کولسد و ریسد زاریغ
 ن افرع هار زاطقف ! بتسا ل احم ماما تفرعم
 ی واسم ن افرع ی نعید . دسرب ماما هب دناوتی م ناسنا
 ، تسا تیلو اب ی واسم دیحوت ، تسا تیلو اب
 همه نیا اب ام ؟ میتسه ی روطنیا ام ن لا اعقاو
 نیا اب ، اهتجد همه نیا اب ، میدناوخذ هک ی یاهسرد

¹ 312 ص 5 ج ، راوندلا راجد
² 246 ص 16 ج ، معیشلا ل یاسو

نیچمه کی؟ میتسه نیا ام تاعلاطم همه
؟ میتسه ی تیعضو

ی ضترم خیشد موحرم تافرشت زای تیاکد س دقم دهشم به ی رنآد

اقفر زای رنآ کی زای مدینش ار ی بلطم کی نم
هتبلای؟ هدوب ی ک صخشد نیا هک مدرکنڈ ل اؤسد ی لو
نایب رد هک مدید نم ، دیوگب دوبن ی ضار مه نآ
مدرکنڈ حرطم لاصا مه نمد راد تهار کق ادصم
کی غارسد میتفر میدوب هک مقرر د ام هک ت فگ ن اشیا
ی مذ دهشم ، دیآی مضا ر ماما ن اشیا میدینش ، ی سک
لاصا لاسد ی اهلآسد لاصا ، دوشی مذ فرشم ، دور
طیب کی تسیند ی زیچ رگید هک دهشم ! دوری مذ
دنک ت محر ادخ . دوری م درخی م مدآ س وبوتا
ره ن اشیا ، ار ی رنآد ی ضترم خیشاقآ موحرم
ی ولوم ی شور فطیب تفری م درکی م ادپی تصرف
نارهدت هک مه ام ، دوبراز اب هار هسد ع قوم نآ ، مق
س مشد ش فرط نیا ، میتفر ی م نامه اب میتفری م
طیب کی ن اشیا ، ی ولوم ش فرط نیا دوبرامعلا
و دنامی م بشد کی ، دهشم تفری م و تفرگی م
هتشداد سرد هبند زور دیابن وچ ، تشگی مرب ادر ف
تکر د ش حبص و دنامی م دهشم بشد کی ، دشاب
رصد ی نعید ، دمآی م دهشم زای هرابود درکی م
هار رد ار هبند چنپ بشد حلاطصا به هک هبندش راهچ
کی ، دوبر هار رد ار هبند بشد روطنیمه و دوبر
ی هاگ مه ام . تشگی مرب و دنامی م دهشم بشد
دمآی م بشد فصنذ تاقوای هاگ ، میدیدی مار ن اشیا
، دسانشن ی سک دیشکی م رسد ار ابء ن ابایخ رد و
اهنیا . تسشنی م مرد ه شوگ کی تفری م و دمآی م
ی تقیق د اب ی یاهمدآ ، دندوب ی تیعاو اب ی یاهمدآ

،ناتسبات هذ ،تفری مذدهشم اّاصا اقاّانیا و .دندوب
 ناشیازا متفرنم :هک تفگی مناشیا ،ناتسبز هذ
 ماما ترایز دهشم ارچ امش اقاّاهک مدرکل اوّس
 هرابط تسه نیشام تسه راطق ؟دیوری ماضر
 ی دج هعقد کی دعب و تفگذی چیه ناشیا ،تسه
 دیابام ار لکشم هیضقنیا اقاّامیتفگ میدرکل اوّس
 یارب تسا دراو هک تسای اهلاسم نیا ،مینادب
 تساتیمیّی لو ماضر ماما :تفگدمآرد ناشیا ،همه
 نم !! دوری مذتیمیّی لو ترایز هبّیّی دّیّی لو و
 یزیچ ناشیا هصلاخ ؟دوبی کوباینیا متفگ و اهب
 متفگ مدرکن رارصا رگیدنمی نعید ،مام هبّیّی تفگذ
 دیاب ،وبای هبّیّی اللهرفغتسا هصلاخ ؟دوبی کوباینیا
 اهنیا هکنیمه میوگی متخبذبوبای ،مینک رافغتسا
 می مام زارتهب اهنیا ،دنسانشی مام ماضر ماما
 ات ،دشاب مهفد دیاب اجک ات مدآ دینیبب امش .دنسانش
 مه کی دیاب هک دشاب هئاوید ردقنیا مدآ دیاب اجک
 و تساتیمیّی لو ماضر ماما :دنزباری فردنینچ
 نیا .دوری مذتیمیّی لو ترایز هبّیّی دّیّی لو
 رفذ کی هبّیّی مسدح مدوخ نم هتّیّیلا ؟تسیچ هیضق
 ماما ترایز نا هک مدوب هدینش اّلابق نوچ تفر
 مدرواینده ارش مساً لاصا رگیدی لو متفرناضر
 ؟هتفگ روطنیا هک هدوبی کوباینیا متفگ طقف

تقشم لمحت هرابردی نارھط هملاع رظن

اضر ماما ترایز

ناّزا ،دیوگی ماقاّامو حرم لثمی کی تقو نا
 ام اقاّاهک هدوب هتفگ ناشیا هبّیّی کینیمز هرک فرط
 نلاف و نامرسایدنکی م درد نامرمتاقواّی هاگ
 زا - میوشی م قّفوم رتمکی هاگ اّلاثم اهفردنیا و
 ترایز میوشی م قّفوم رتمک - دندمایم هکنارهت
 - یسکرگا :دندوب هومرف ناشیا ،میوربترضد

مهن آ، اجنأ مدوب هتسشن تسه مهنذ رد ترابع نم
 یاه عومجم کی ن مضر رد ی نعیه که مدوب ی دارفا زا
 نارهدت و دندوب ن اشقباس ی اقر زا ی ضعبه که دندوب
 - دنتشاد ی هاگتسد و مد و اهنیا و س لاجم کی مهن
 فرط نیا بهب ضرأ عقصد فرط ن آ زا ی سک رگا
 یراک، ج لثا ی لع او بجد دیاید اضرم اما ترایز ی ارب
 ناشن بلطم نیا، هدادن ماجنا یراک، هدرکن ار
 رد ی نعیت سینق ار غا ماقم رد ناشیا که دهدی م
 ماقم رد هذ دنتفگ ار بلطم نیا ناشیا ءاشنا ماقم
 میوگی مزید همه ام ار قار غا لاثم لامدو، قار غا
 یاهت بحص، میوگی م دیاید رد نامناهد زا ی چره
 لاد ردقن آ ار ی کی. درادن که باتک و باسد ام
 مینزی م نیمز بهب ردقن آ ار ی کی مینکی م هوک میربی م
 ناشیا هفرح اهنیا، هذ اهنیا ی لو؛ رانگنا هذ رانگنا که
 ناشیا هفرح بهب تبسن و تشاد باتک و باسد
 یروطنیمه. دنتفرگی م رظن رد مهن ار ناشتاعبت
 و تاموزلم، مزاول، تاعبت. دندزی مزار ی فرح کی
 دنتشاد رظن رد ار اهنیا همه

بهب تبسن هملاء موحرم ندوب ساسد تاما هئسم

نارهدت رد که ی دارفا نیمه زا ی سک کی
 ی لیخ و تشاد اهنیا و نافرعو قلاخا سلجم
 اب، دوب روهمشم و دوب فورعم عقوم ن آ مهن
 لزنم دوب هدمآ دهشم شیاهدیرم زا اتدنچ
 رفق کی ی لو سلجم ن آ رد مدوبند هذب. نامردپ
 نم که درک ل قذ نم ی ارب ناشیا، نانسود زا
 زا، دوب هدمآ نانسرهشد کی زا مهن وا، مدوب
 هتفر مهن زور ن آ، دوب هتفر ترایز ناهفصا
 نیا هعقد کی میتسشن ام، ام ردپ لزنم دوب
 اقباس هرخلأاب و اقا موحرم بهب درک ور صخش
 دمحم دیس اقا ی اقا: دندوب انشأ ی لیخ مهن اب
 دهشم بهب یدش دنلب امش ی چ ی ارب امش نیسد

دیدش دنبال امشده که دوبی چن ارهت رگم؟ یدمآ
دنتفگ ناشیا؟ تسیچ رگم اجنیا؟ دیدمآ دهم
دعب هیناژ هس ود یکی دندرکی لمآت کی هک
- دشاب هتشادن مهف هک یسکی یارب هلب: دنتفگ
صخشن آبه تبسذلاصا یزیچن یچم هکی
دشاب هتشادن مهف هک یسکی یارب - ، هتشادن هقباس
نارهتو دهم نیب ، ماما ماقم و تیلو ماقم هب
تفرعم زایو ج هک یسکی لو دنکی من قرف
اجنیا رد هظط کی هک دنادی م و ا دشاب هتشاد
ناسنا رمع مامت هب ن دوب ترضد تمدخ رد
نآ ، درک دهاوخن یربارب اهاج ریاس رد
هچمین ابیرقت هتبلای ش دوش و دش هاید ش گنر
ار ش رسد و دش هاید هاید ش گنر و دوب هاید
هتبلای ش یاهدیرم یولج مهن آ و نییپت خادنا
سپ او ه دیدی لو دهند باوج هک دوبنی مدآ
ی ماقآ راب نیی دهدب ی باوج دهاوخن رگا ، تسای
ی م دهدب باوج زاب رگا و ! هئاوید : دنیوگ
هاشنا دراد هک تسای یاقآ اقا و !! غلا : دنیوگ
! دروآرد شوگ و دش رخ هعفد کی دنکی م
یولج هراب کی هک دسرتی م و ا زارخا
و دوشب زارد و دنکی فرصت اقا و ش نادیرم
اپ و تسدرهچ هبل یببت و ولج دیاید هئاچ دعب
دز ادنیب ار ش رسد هکنیا هب درک افتکا اذل . دوشب
ههنیا و تاما هلاس هب تبسذ اقا موحرم . نییپ
تبسذ ماما میرد هب تبسذ ، دندوب ساسدی لیخ
هب تبسذ ، ماما تیهام هب تبسذ ، ماما تیوه هب
گذرف هب تبسذ ، ماما تفرعم تاعبت و مزاول
. دندوب ساسدی لیخ ناشیا ، یسانش ماما

دوخرظن زای نارهط هملع باتک نیرتهب

ناشیا

نیرتهب هک مدرکل اوسد ناشیا زای تقو کینم
کی رد دنکی م قرف نیی هتبلای؟ تسیچ امش باتک
دندرکل اوسد اهام زاناشیا دوخ هک دوبی الهیضه
ی زیچام مادکره و؟ تسیچ نم باتک نیرتهب هک
تاعملنم باتک نیرتهب دنتفگ دعبن ناشیا ی لو میتفگ

کین آ. تسانم باتکن یرتهب نآ. تسان یسحلا
 مدرکل او سد مدوخنم رگید هیضه رد دوب هیضه
 نوچ - تا عمل زار ظفر صدن اتتافیلآت نیا زاک
 هک دندوب هتفگن اشدوخی نعید دوب هدینش ار تا عمل
 می مدعب لاماد، تسانم باتکن یرتهب تا عمل نیا
 - دیسر نم نهذ هب یچ تا عمل هب عجار هک میوگ
 ماما: دندومرف ناشیا؟ تسیچ نآ زار ظفر صد
 می ملء دیحوت ناشیا منیب متساوخی نم، می سانش
 می سانش ماما دنتفگی لو، می سانش الله لاثم ای، می نیء ای
 می سانش ماما باتکن یرتهب. تسانم باتکن یرتهب
 می تایح مدرمی ار بن لآا ماما تفرعم اریز، تسان
 می ماما اریز دنسانشب ار ماما مدرم دیاب و، تسان
 ناشیا. درادن ربخ وازی سک و دراد دوجو ن لآا
 ، درادن ربخ وازی سک ار ام می ماما دندومرف
 و دنکی مروهظ و میراد می ماما کی طقف هلب
 . دنکی مذاوداری درد مکنیا، مینکاعدش یارب دیاب

هرا بردی نار هط الله ایآ زای ندینش ی لیلحت ن یسحلات عمل باتک

مدینش ار نیا ناشیا زاک می عقوم نآ رد نم
 زای لیخلثم میارب، تسان یسحلات عمل نیا هک
 بدآت هبنج هب ناشیا هک دش ادیب بلطم نیا دارفا
 ناشیا فیلات تا عمل اریز دندرک حرطم ار نیا
 اد هشا دس بلطم دندرک همجرت طقف ناشیا، تسین
 هب شاهمه هنم نآ، دندرک یروآعمج ار
 تر ضدن آ ناشیا مرف زای تابختتم کی حلاطصا
 یرگید راک. مدرک بجعت، دندرک یروآعمج ار
 م هام مینکی همجرت ار تایاور م هام، دندرک
 دشاب هتشاد بدآت هبنج دیاب نیا، میدلب اهر اک نیا زاک
 زاک دیای م باسد هب ناشیا فیلات فرط کی زاک

و تسانیسد ماما هب طوبرم بلاطم فرط کی
 هک تسانس فذ دوش وارته و هدیاز هکی زیچ
 دشاب تاییصوخذ و سفذ تایحور نآ رگناید
 ام ؛ تسانیسحماما بلاطم ، بلاطم نیا . تسیند
 نیا هبنم اهدعبی لو میدرک بدآت ربل مدار نیا
 دنتفگی متسار عقوم نآ ناشیا هذ هک مدیسر هتکن
 کی هک دوب نیا هلاس ، دوبد بدآت هلاس هلاس
 ، شزاربا ، دنکی مزاربا هک ار هچنآ لاصا فراء
 ی منزل خادی زیچش دوشزا و تسوا زازاربا نیا
 اب ار سفذ ، دنکی من هفاضا ی زیچش دوشزا دنک
 ، دنکی منی طاق ، دنکی من طلخ زاربا و راهظا نیا
 . دشاب دوشزا دسر دنج دشاب و ازاش دسر دنج
 رد ، مینکی م ار راک نیمه نامتاجه تشون رد ام
 زا بلاطم کی ، نامیاهت بحصد رد ، نامتاجه تشون
 ، مینکی م مکی میریگی م ار بلاطم نیا دیای م اجنآ
 ار شرادقم کی ، تیعقوم بسد رب مینکی م دایز
 و هیزجت ، مپیوگی من ار شرادقم کی ، مپیوگی م
 ی م لیوات ، مینکی م نییاپ و لااب ، مینکی م لیلحت
 نیا روظنم ، تسان آ روظنم : مینکی م هجوت ، مینک
 زیچ کی بلاطم . مینکی م شبارخ هصلاخ ؛ تسان
 ، مینکی م ربیعت و مینکی م بارخم هعبه دوبر گید
 هکی تقو فراء کی ی لو ؛ تسان نیا ام تیعضو
 دوش هب چیه ار بلاطم نیا ، دنکی م تبحص دیای م
 اباب ، دشاب دهاوخی م هچره للاح ؛ دهدی من تبسند
 و ی مء بلاطم نیرتقیمع اب ، دشاب داد بآ
 دیای م نیا نوچ ، دنکی من قرف نیا یارب ی داقتعا
 ش دوش ، دنکی م حرطم ار لئاسم نیا و ایحانزا
 داسف و حلاص یاضتقم هبو دنکی من یراکتسد
 نیا رد و ؛ دنکب طلخ ار هلاس دیای منی اهقیلس

هب باطم باستنا دنیبی م قد هک ار هچنا ع قوم
 باطم ن آی ار بار ش زرا و ار تیناقد هک تسوا
 و تسا قد باطم نیا نوچی نعی؛ دنکی م نیعت
 ،تسا ش زرا بجوم و آی ار بنیا تسوا ایحانزا
 هک باطم هوبنا و مجد هذ ،باتک ن دشد تفلک هذ
 نیا دنیوگب دوشب گرزب دوشب تفلک باتک مادم
 ،دش هحفص رازه ،دش هحفص دستشه اقا فیلات
 قباطم هک ار هچنا هذ ؛ دش هحفص تسیود و رازه
 قد هب ش برقت و ش تبرق رظنزا و تسا قد اب
 می باطم ش جنسی ار بر ایعم ن آ ،تسا رتکیدزن
 دوشد .

رتلااب ماسلا هیلع اضر ماما زای سک هچ ؟تسا

رتلاابی کی ؟تسا رتلاابی کی ماسلا هیلع ماما زای
 هب هاگن ن آ هکی تقو عاقب ماقم رد ؟تسا ماما زای
 دنکب ماسلا هیلع ماما تاملک هب هاگن و دنکب دوش
 ماما ؟دهدی م حجرت ش جنس نازیم رد ار مادک
 تیعاو کی نیا ،تسین ددع رگید نیا سپ .تسا
 و ادخی لو س فزرد هک تسای تیعاو کی ،تسا
 نیعتی ار بر ایعم تیعاو نیا لله اب فراس فزرد
 می سکره ،می سکره هب تبسنتسا باطم فقاوم
 ی ار بر ایعم نیا دوش رتکیدزن قد هب و باطم هک
 می سکام هک رتلااب ماما زای .تسوا تمیق و ش زرا
 می ملاک کی هک دشاب رارق رگا ،میرادن ار
 ،دشاب عقاو نیع و دشاب قد نیع دسر دص
 غیلبت ماقم رد ،الله ناسل ن آ هک تسا الله ناسل نامه
 تقو ن آ .تسا ماما نامه ،تسا نیبت ماقم رد و
 هچیرد زای ار دوش باطم مه عقاو هک تساجنیا
 دوش باطم هب هک ار می قد و دنیبی م ماما س فز

به دهی مذت بسند دوز به ار قح دن آ دهی مت بسند
 رد و تسا مهمی لیخه تکذنیا . دهی مت بسند ماما
 هر کن ایبه طساو لاب ماما دوز به ار ی بلاطم هجیتند
 واکه باب نیازا هتبلایا . دوشی مت سار رد نآ
 ناونع به ار دوز طقف ، نییعتی یارب هشد هطساو
 ار دوز ، اهنیا و هدنکم میظنت و همجرت و هطساو
 لیخد ترثک رظن هطقن زایضق نیازد هر خلأاب
 میظنت و هدمآ هک تسا ی درف کی ی نعید . دنیبی مت
 نیاز : دیوگی مت اذل هذوب هطساو کی ی نعید ، هر کن
 هکی فیلاتی نعید . بتسا فیلاتی نیرتلااب نم فیلات
 فیلات نیاز لمانا تا کرد نیاز اب ، ملق نیاز اب هر خلأاب
 ماجنا اجنیا رد همجرت اب هکی فیلات ، هتفرگ ماجنا
 دراد نم بهت بسند رظن کی زایا ، فیلات نیاز ، هتفرگ
 نیاز رظن کی زایا و ؛ بتسا نم فیلاتی دیوگی مت هک
 ی تقو . بتسا ادهشلا دیس دوز به طوبرم فیلات
 نیرتلااب نیاز ، دشاب ادهشلا دیس دوز به طوبرم
 اقا موحرم هک عقوم نآ مدید نم اذل . دوشی مت فیلات
 بدا یور زایا ، دوز بدا دندزی مت ار فرح نیاز
 ملیف نیاز ، ام مینکی مت بدا ، ام مینکی مت ارتحا هک
 یور زایا اهنآ لاماد ، میر وایب رد میتسه دلب دایز اه
 ی بدا هچتسا مولعم مام بدا لاماد دنتفگی مت بدا
 هکی یاهباتک نیاز مامت دنیوگب ام به رگا ؛ بتسا
 و توکلم رارسا ی سیوندی هاوخی مت و ی تشوند
 اهنیا ، دیای مت رد ادعب هکی یاهزیچ نیاز و نلاف
 لثم ی دما هکی نآ طقف ؛ تسین امشل امش مادکچی
 ؟ یچ ادهشلا دیس زایا بلطم نآ طقف ی تشوند تا عمل
 بشد ، هدمآ رد میاباب ؟ هذای ی مهفی مت ار تنهد فرح
 مدوب اجنآ ، مدوب اج نلاف ، مدوب رادیب حبصا تا اه
 ، مدرم تیاده یارب متشوند باتک همه نیاز دما

مدرم همه متشونی مذنم رگا! ایند تیاده یارب
 هطساو به طقف! دندوب رفاک همه! دندوب یمنهج
 راگنا؛ دندشی تشهد همه که کتسا ن مباتک تافیلأت
 اتش تقلذ ل و ازا هدرک تسرد مدآ کی ادخ طقف
 ،دیزی م ار فرح نیا درادی مرب تقو نآ ،رخآ
 کی . میوگی م غورد مدرم به میراد تسامولعم
 ! میتسینل باق هلب میز ادنای م نییاپ ار نامرس رادقم
 ل باق هتفگی ک ، دیراد فیرشتل باق م ه یلیخ ، هذ
 ریش هزادنا به ، دیلباق امش رتشد هزادنا به ؟ دیتسین
 ی یا هلیف کی هتبلأ ؟ تسیچ اهفرح نیا دیلباق
 هک اقا مو حرم . دندرکی م او ه قباس دوب ی کدابداب
 هلاسم نیا مه ش سفرد دیزی م دراد ار فرح نیا
 ار تا عمل باتک : دیوگی م ن م به اذل . دراد تیعقاو
 ی م راکه چ ار ن آرقام . رانگب اهباتک هتیب ی لااب
 ن آرق و حیتافم امش میرانگی م ریز ار ن آرق ؟ مینک
 ور ار حیتافم امش ، م ه یور دیرانگب دیهاو خب ار
 ی لو تساماما ملاک م ه حیتافم هکنیا اب ؛ دیرانگی م
 نآ ، ماما سفرد ش لوزن رد تساماما ملاک نآ
 نیمه و هدمآ نامه هک هطساو لاب تسادخ ملاک
 ترثک ماقم رد ار ادخ ملاک ام هک دوشی م ثعاب
 ، میهدب حجیرت ملاسلا هیلع ماما ملاک رب
 یور میرانگب ار ن آرق دیاب ام تساه غلابا جهن
 میرانگب ار ن آرق دیاب تساحیتافم ، ه غلابا جهن
 میرانگب ار ن آرق دیاب تساداعمالادان ، حیتافم یور
 ، اهنا یور

ریز ار نیسحا تا عمل باتک دیابنارچ

؟ میرانگب اهباتک رگید

ی اهباتک ریز دیابنار تا عمل تیفیک نیمه به
 یور میرانگب دیاب میرانگب اقا مو حرم رگید

دوزخ لام تا عمل نیا؟ ارچ رگید ی اهدا تک
 دوزخ ترابع، ترابع نیا، تسا ادهشلا دئیس
 باتک ریاس و دشابور نیا دیابو؛ تسا ادهشلا دئیس
 عقاو زا هتساو خرب بدا نیا تقو نآ. نییاپ اه
 تلا یختر دوزخ اجم زا هتساو خرب اهدا نآ، تسا
 بدا نیا و تسا عقاو زا هتساو خرب بدا نیا، دوزخ
 ی سأت ناسنا دیاب بدا نیا هب دراد ش زرا رگید
 بدا نیا زا، دنک دیلقت هکی تسیاب بدا نیا زا، دنک
 هقیب ی اهدا؛ هنن کیلو دریگب دایشور ناسنا دیاب
 تشپ اهنیا، هنن اهنیا الله همحر و مکیلع ماس
 جک رسد، الله همحر و ماسلا مکیلع تسا نیبرود
 دنکب لوبق، دنریذپ الله عاشن! میتسین لباق مینکی م
 ، دنکب ی هاگن کی نیمه طقف دیاب ناسنا اهنیا هب
 ی مناشیا - ام هعقد کی: دندومرفی م اقا موحرم
 میتشاد - مری مذ مسا نم لادی لو ارش مسا دنتفگ
 ی مرید مرد زا میتشاد هن، میدشی م فرشم مرد
 رد هکی نایاقا نیمه زای سک کی هعقد کی میتشگ
 ناشیا تساهنیا و عجرم حلاطصا هب و تسه مق
 رد؛ دوزخ هشد فرشم مه نآ و دهشم دوزخ هدمآ مه
 ی قباوس، میدرک درو خرب مه هب هعقد کی نحص
 . مدرک رکذ ارش قباوس زای ضعب مه هذب و دنتشاد
 ناشیا، دنتشاد ی قباوس رمع بشد رد اصوصخم
 همحر و مکیلع ماس: دنتفگ هعقد کی دعب دنتفگی م
 ترصد الله مکظفد مکیلع ماس میتفگ مه ام! الله
 ، ناتمینیبی مذ ام الله عاشن! دیبوخ؟ تسا روطچ اقا
 نآ و دوزخ فرط کی زام ریسم، دشد در هصلاح
 دعب هرخلأاب دعب، تفری م رگید فرط کی زام اقا
 لاماد؛ میدیسر مه هب نایبایخرد هر ابود عبر کی زام
 مکیلع ماس! نلافی اقا متفگ؛ دوزخ هار کی زام نآ

ن آ دیداد ام ه بن حصر د ه کی م لاس ن آ ، اقا دیباید
 ی باسد و تسرد م لاس ایب ؛ دود تیعجرم م لاس
 تیعجرم م لاس ، ن حصر د م لاس ! میهدب م ه ه ب ل ا ا د
 امشل ا د : میهدب تسرد م لاس م ه ه ب ایب ل ا ا د ، دود
 ا د ه د ن ب ن آ ؟ دیدما کی ؟ اقا دیبوخ ؟ تسا روطچ
 و گنشق رگید و دش ب آ ش یا ه خ ی ه م ه ه ع ف د کی
 م لاس ، م لاس ن آ ا ب ا ب . [میداد م لاس] ی باسد و تسرد
 تسیند مولعم رگید م کیاء م لاس ، دود تیعجرم
 : ی باسد و تسرد م لاس ! دیباید رد ا ج ک ز ا ن ی ع
 ه ص ل ا خ . میریگب مرگ مینیشن ب و ن ل ا ف و دیر و ط چ
 و میدرک ل ا و ح ا و ل ا د ا ج ن آ ی ا ه ق ی ق د ج ن پ کی
 ی ا ه ر ا چ دید ا د ه د ن ب م ه ن آ ه ک ن ل ا ف و ت ب ح ص
 ی ا ج ا ج ن ی ا ، تسیند تیعجرم ی ا ج ا ج ن ی ا ، در ا د ن
 ه م ه ا ه ن ی ا ؟ دیدرک ت ا ف ت ل ا . ت س ا ه ف ر د ن ی ا و ت ق ا ف ر
 ا ر ن ا س ن ا ی ا پ و ت س د ه ص ل ا خ ه ک ت س ا ی ل ن ا س م
 ی ت س ی ا ب ن ا س ن ا ه ک ت س ا ی ب د ا ب د ا ن آ . در ی گ ی م
 دود ع و ر ش ل ا م و ی ه ت ب ل ا ا م ت ح ب ز و ر م ا . د ن ک ب ت ی ا ع ر
 . د م آ ش ی پ ا ع ب ط ل ن ا س م ن ی ا ه ک

خ ساپ و ش سرپ

ولو دراد ار ه مسجم م ک د ن ک ن ا م ایآ : ذیملت
 ؟ ت ر و ص و ر س ن و د ب
 ه ر خ ل ا ا ب ، ت س ا م ا ر ح و ت س ا ه م س ج م ه ل ب : د ا ت س ا
 . ت س ا ه م س ج م ه د ن ه د ن ا ش ن ه ف ا ی ق ن ی ا
 ه ب و ت ف ر گ س ک ع ن ز ز ا د و ش ی م ایآ : ذیملت
 ه ک ی ت ر و ص ه ب ه ت ب ل ا ؟ در ک ه د ا ف ت س ا ت ا غ ی ل ب ت ن ا و ن ع
 ؟ د ش ا ب ن ص خ ش م ه ر ه چ

، د ش ا ب ی م ه ب م ه ر ه چ کی د و ش ی م ه ل ب : د ا ت س ا
 و ن ه د ، ی ن ی ب ، و ر ب ا ی ه ا گ . د ش ا ب ن ص خ ش م ی ن ع ی
 ن ز ن ی ا ه ک ت س ا ص خ ش م و ت س ا د ی پ ا ه ن ی ا م ش چ

تسا مههم هذی تقو کی، دهدی م ناشد و تسا
هک دنکی م راکهچ و دنز ادنای م هیاس ی هاگ لاثم
م، دندهی م ناشد نو زیولت رد تا قوا ی هاگ
دندند ناشد ار ی قراس کی هرچ دنهاوخ
؛ دشاب مههم ی روطنیا لاثم (ندرک ی جنرطش)
نز هرچ دوزرگا لا و تسا ن آ مروظنم
ن آ هک ی ریغت کی اب مکنیا ولو دشاب صخشم
رد ی لصا ءازجا تروص ن آ زا ار وا ریغت
درادل لاکشا زاب درواین

دیرخ نیرومام هب تناسروپ نداد : ذیملت
؟ تسا هنوگچ ترورض رب انب اهتکرش و تارادا
هک ی رتشم بلج یارب دنتسه روجم هکارچ
دنددب ار تناسروپ نیا دنتسه م صاخ ی رتشم
رب هناعا مهن آ، تسا روطنیمهن آ : دانسا
شاهمه، تسا مارح رظن نیا زا، تسا تمرح
کی لاماد . مارح رد مارح رد مارح، تسا مارح
دهدب هچ دیای م ش شوخ ی سک زا ی سک کی ی تقو
کین آ هک دنیبی م ی تقو ی هتتم، دیای م وا دهند هچ
لاصا دنکی مذ تساوخرد و تسه ی نیما مدآ
ی یاج میدوب هتفر بشید ام لاثم، دیای م ش شوخ
میریگب هویم میتفگ و ی یاج میورب میتساوخی م
ی شورفهویم بحاص زا و ی شورفهویم میتفر
میتفگ تسای بوخ و فاصد ن اوج مدید، دمآ مشوخ
تسیند مازلانیا، اجنیمه میای م دعب هب نیا زا
دریگب وازاناسنا مکنیا رب تسه ی مازلانیا هذی نعید
هک هدرکناسنا زا ی یاضاقت نینچمه کی وا هذو
هاگن هک تسه هئاخراک کی ! ی چیه، اجنیا دیاید
تسای بوخ مدآ کی دنیبی م ی رتشم نیا هب دنکی م
رظن زا دریگی م نیا زا دیای م وا دهند ای دهند و

ش شوخ نیا ، اهنیا و غلبه تیمک رظن زا و تیفیک
دنک باسد هکنیا هذدهدی مش دوخ بیج زا دیآی م
مارح هک نآ ، هذ ، ش یور دشکب و غلبه نآ یور
کی نیا هب دهاوخی مش دوخ بیج زا ، هذ . تسا
و تراکب حاصد بآلاصا نم دیوگی م ، دهدب ی لوپ
کی م هاوخی م امش زا هدمآ مشوخ ، مرادذی راک
درادذل اکشا نیا م دهدب و تهب ی اهیده

ش دوخ دوس مهس غلبه زا هذنشور ف هکنیا : ذیملت
لااک غلبه هب هکنیا نودب دزادرپ صخشد نیا هب
؟ دوشی مذت خادرپ زوجم دنک هفاضا

رد ، درادذل اکشا رظن نیا زا دینیب : داتسا
نیا دهدب دهاوخب ش دوخ غلبه زا دهاوخب هکنیا
تسا تسرد مایضه فرط کی هک دوشی م ثعاب
نآ هب تبسذت نایذ هلاس هک مایضه فرط کی
، دشورفی م سنج دراد نآ یارب هک تسا ی تکرش
نیا رگای نعید ؛ تسا تسرد هلاس نیا هب تبسذ
دوس نیا الله نید و هنیب اعقاو دنکی م دراد هک ی دوس
نآ او دهدی م هئاران ازیم نیا هب همه هب تبسذار
ایتفرگی م وازا صخشد نیا هچ ، ار دوس نیمه
نیا هب غلبه نیا هب ار لام نیا ، تفرگی مذ هکنیا
مکش دوخ دوس زا لامادی هتم ؛ دشورفی م تکرش
یارب هتفرگ رظن رد هک ی دوس نآ اب هک دنکی م
مایضه رظن نیا زا ؛ دوشب ربارب رگید دارفا همه
هک درادذل اکشا فرط نیا زا مایضه . درادذل اکشا
نیا دیراد هک امشذن لآ ، تسا تمرحرب هناعا نیا
نآ هوشر ناونع هب نیا دیهدی م ماجنا ار راک
، دوشی م مارحواراک دریگی م امشذرا ار نیا دراد
مارح رظن نیا زا دیدش و اب بسم امش هک ی راک و
تسه رظن نیا زا دراوم ی ضعب رد هلب . دوشی م

می باسد هداد تکرش ن آ به ت بسند هکی دوسد هک
مارحدهجود زانیا ش یور دشکی م ه نیا دنک
وال معرب هناعا رظن زانیا هکی دوشی م
دوشی م اجنیا رد

هک دینکی م حرطم امش لامد هکنیا م ه دعب و
زانیا هچ نیا !تساجنیا زانیا هچ نیا هچ نیا
نیا ،دناسری م دناسرب دیاب ادخ هک ن آ ؟تساجنیا
نم هجوچیه هک میدید لئاسم نیا زانیا م ردق
و قیرط ن دش زاب کی یارب ی دیما چیه هوجولا
هلاس نیا هبترم کی اجکی زانیا دعب ،هدوبنی هار
باختنار ریس هک میتسه نامدوخام و هدمآ ش پید
یور هب ار اهر د هک میتسه نامدوخ ،مینکی م
نامدوخ یارب هار کی طقف و میدنبی م نامدوخ
تسیند ی اهر اچ و میراچان رگید دعب و ؛میرانگی م
نیا زانیا ریغ ی اهر اچ رگید و تسانیمه طقف و
هک ار هچنآ اعقاو رگا لاو میتسه نامدوخ ؛تسیند
اترازه ،مینکب لمع ن آ هب میهاوخب دیوگی م ادخ
حلاطصا هب روطنیا بلطم .دوشی م زاب رد
،نیم اقاچاد ردارب میتشادی یومع کی .تسیند
موحرم ش پید هعفد کی ،دوبی شتراع قوم ن آ ناشیا
ی هاگام هک دوب هتفگ و دوب هتفری راصنا ی اقا
دعب و تارادا رد میدی م ماجنا [ی راک] تاقوا
ناشیا دعب ،دندی م ام هب ناشدوخ ی زیچ کی اهنآ
تهب دندمی م ی تسشنی م مه هناخرد رگا هک دنتفگ
؟دندب

هک دندی م تارادا رد هکی یاهلوپ :ذیملت
؟دوشی م بوسحم هوشر دندکبار دودق دق اقا
نوچ دراندل اکشا و تسیند هوشر رگید نیا هک
مه نیا ی لو ،تسا مارحش ننتفرگ ن آ ،تسیند هراچ

نیا لام ن لآ ،تسا مارح مه نیا ،فالاتا بابزا
عیاض اجنیا رد دراد نیا قح و دوشی م فالت دراد
جراخذهدنات کرمگرد هدمآ سنجا لاثم .دوشی م
هچ ،دوشی م دساف مه هتفه کی زا دعب !دنکی مذ
هکی تلاحد ؟منکی مذ هناعا نم دیوگب ؟دنک راک
و دنکب صیخرت هک تسا نیا رومام نآ هفیظو
دنکذ !منکی مذ ی هذذ ات دیوگی م فاصد ،دنکی مذ
اجنیا رد تسا هتفر نید زا ش سنج اهنویلم رگید
مارح رومأم صخشد نآ یارب هلب ؟درک دیاب هچ
تسا سجد و تسا مارح هک وایارب ،تسا

دَمَحَلِ آ وَ دِمَحَمِ لِ اَعْلَ صَدِّمَهَلَّا